



نشریه داخلی تهران بیست و هشتم خرداد ماه ۱۳۸۲ خورشیدی شماره ۱۱۶

بنابر خداوند جان و خرد

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

منافع ایران در بحران شدید منطقه ایجاب می کند که هر چه سریع تر از شدت تنش های همه جانبه با قدرت های جهانی کاسته شود. حاکمیت باید در برابر خواست ملت دأثر بر استقرار حاکمیت ملی سر تسلیم فرود آورد

نشر نامه ۱۳۵۰ نماینده مجلس که کوشیده اند به مرفوع هشدار بدهند جلوگیری می کنند. از منبر نماز جمعه برای ایجاد هراس در میان نیروهای ملی و اصلاح طلبان که روند موجود را به سود استقلال و حفظ یکپارچگی و کشور و وحدت ملی نمی دانند، تحلیل های سیاسی همسایه همیشه متجاوز به ایران، روسیه را که در جهت حفظ منافع خویش از طرح هیچ مسئله و شاهنامه سازی دریغ ندارد، شایعه کمک پانصد میلیون دلاری آمریکا به نیروهای

ایزاسیون بازگو می کنند. طی یکماه و نیم گذشته تا بحال از برپایی نشست های دانشجویی و گروه های مبارز، از جمله هیات سرشناس ملی و شماری از اصلاح طلبان بوسیله نیروهای فشار و حمایت های نیروهای متول جلودگویی می کنند. این در حالی است که صاحبان اندیشه را اضطراب و ناآرامی میخواندند از فحاشی و اظهار نظر در باره مسائل جاری و سیاسی کشور خودداری کنند.

باید یک بار هم که شده با واقعیت ها خود را آشناسازید و بپذیرید این ره که شما می روید به ترسگشت است.

هیچ حکومتی تاکنون در جهان نتوانسته است در حالیکه حمایت گسترده ملت خویش را ندارد و جامعه اش از فقر و شایه شدید اجتماعی رنج می برد، جو لاش گروهی به نامزدی و شماری به عصیان کشیده شده اند و مردم آن از تجاوز مدفوم به حقوق مسلم خویش به جان آمده اند، قادر بر آن باشند تا در برابر تهدیدهای خارجی، آنها در شرایط پشیمت بحرانی منطقه ای که در آن قرار دارد، ایستادگی کند.

ملت ایران بر آنست که با توجه به موقعیت بسیار ممتاز استراتژیک خود و بهره مند بودن از منابع قابل توجه و توان بالای شعور و شناخت فرزندان خویش، لبریزی آباد و آزاد را بسازد که همه باشندگان با نیکی، سرزندگی و نشاط در آن زندگی سرفرازی داشته باشند. آنهاست که بیچار گونه بر آفتاب این سرزمین را به آتش بکشاند و باشندگان آن را بر تالی فر خاکستر بکشند، باید بدانند که ملت هشیار ایران در هنگام راه را بر هر آنچه که بخواند جای خود را از راه نابودی بکشاند خواهد بست.

میلیون استانهای آواره این سرزمین را که حاصل تجاوز رژیم مستعمر و جنایت پیشه صدام می باشد را، حفظ نکردیم. ممکن است برخی بگویند ما برای آنکه بتوسیم در آینده حکومت عراق تأثیر گذار باشیم لازم بود تا یک رسانه تبلیغاتی را بخدعت می گرفتیم. به این خوش باوران باید گفت که ما تا به اینجای کار به اعتبار آنچه که در رسانه های مهم جهان یازتاب داشته است، نه تنها کوچکترین برتری نداشته ایم، بلکه به عنوان یک جریان مداخله گر منفی مورد اتهام قرار گرفته ایم. پدیده ای که به احتمال زیاد می تواند به زبان اکثریت مردم شیعه عراق تمام شود. ما یک صدم تبلیغاتی را که در حمایت از شیعیان تندرو عراقی، گروهی که در اقلیت قرار دارد، انجام دادیم برای باشندگان کرد عراق که شدت از سوی ترکیه مورد تهدید قرار دارند انجام ندادیم. حاصل این همه اعمال

حساب نشده است که امروز شدت در مورد اتهام تلاش برای دستیابی به اسلحه های کشتار جمعی زیر فشار قرار داریم. نه تنها زیر فشار آمریکا که از سوی نشست کشورهای گروه هشت در اروپا فرانسه نیز زیر فشار قرار داریم. با همه ضربه های سنگین که از سوی اقدامات و طالبان بر میهن ما و هم پیوندگامان در افغانستان وارد آمده، امروز به پناه دادن سران القاعده متهم می شویم. در کجای سیاستی که اعتدال شده میتوان تلاش برای حفظ منافع ملی را شناسایی کرد؟ کدام کشوری را می بیند که در شرایط شدید بحرانی ایران قرار داشته باشد و آنوقت از نابودی آن گفته شود که ما میتوانیم ۸۰۰۰۰۰۰ سیاهی آماده عملیات انتحاری را سازمان دهی کنیم، بنابراین قدریم که آمریکا را به روز سیاه بکشیم!

با چنین موقعیتی که حاکمیت از نظر سیاست خارجی برای کشور پدید آورده، شاهد تلاش و دستگاران تندرو آن نیز در بحرانی تر ساختن موضوع منشعب داخلی نیز هستیم. مجلس را به عنوان قدرت قانونگذاری و نظارت بر همه ارکان کشور فلاح ساخته اند. شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت را چنانستین مجلس و دولت ساخته اند. بر خلاف هر قانون و ضابطه خردمنه ای، از

رضایت آمریکا را در پیش بگیرند. از اینرو نه تنها در شورای امنیت به قطعنامه پیشنهادی آمریکایی مثبت دادند، بلکه در گروه هشت، ایران را از همه المصلحه ترزا داده، با پیشنهاد پول داتر بر اقدام مشترک علیه ایران در خصوص الحاق به پروتکل کنوانسیون منع گسترش سلاح های هسته ای موافقت کردند. در این قطعنامه مشترک، از ایران خواسته شده که هر چه زودتر پیوستن خود را به پروتکل مورد بحث و پای بندی خود را به تعهدات پیش بینی شده در کنوانسیون مربوط اعلام دارد. در اینجا دو نکته قابل توجه است، یکی آنکه روسیه همانند رویه گذشته خود سیاست استفاده لبریزی از ایران را در پیش گرفت و دیگر آنکه اتحادیه اروپا از جمله فرانسه و آلمان همواره ملاحظاتی را در قبال آمریکا در نظر دارند. در ظاهر، تا اینجا میتوان گفت در یاده بستن های انجام شده بیشتر به سود آمریکا بوده است. این

یک واقعیت است. و دنیا هم هیچگاه دولت فرانسه، آلمان یا روسیه را دست نشانده و سرسپرده آمریکا بشمار نیآورند. در عمل، میتوان گفت که در صحنه سیاست امروز جهان، فرانسه، آلمان و روسیه در موقعیتی متفاوت نسبت به گذشته برخوردار شده اند. سکوت سنگین چین در جریان رویداد حمله به عراق برای همه مفسران جهان قابل توجه بود. چین در شرایطی است که هنوز سالهای طولانی باید بر روی رشد اقتصادی خود تکیه کند تا بتواند پاسخگوی جمعیت یک میلیارد و سیصد میلیونی خود باشد. برای این رشد، نیاز به تدویم سرمایه گذاریهای کلان اقتصادی خارجی دارد. که آمریکا یک پای عمده آن بشمار می رود. چین می خواهد عضویت قطعی سازمان تجارت جهانی را بدست آورد و می خواهد که به بسیاری از امکانات دیگر دست بیابد و با روشن بینی میفاند که برای دستیابی به هدف های خود نباید با آمریکا سرشاخ شود. اما ما چه کردیم، با ایجاد شبکه «عالم، خود را به پایگاه تبلیغاتی رژیم صدام تبدیل ساختیم، و حتی حرمت صدها هزار خانواده عزیز از دست داده، بیش از یک میلیون خانواده ای که جانی از آن معلول را در کنار خویش دارند و چند

مبارها گفته و نوشته ایم که مشکل اساسی مردم این سرزمین با صاحبان قدرت و حکومتگران، تنها این نیست که آنها از موضع قدرت و سلطه با ملت برخورد می کنند و یا اینکه کوچکترین حقی برای مردم در تعیین سرنوشت خویش قابل نیستند، بلکه مشکل قابل توجه نیست که تعریف همخوانی از «منافع ملی» و جنگونگی تلاش برای حفظ آن بین حاکمان و اکثریت ملت وجود ندارد. ملت ایران و صاحب نظران کشور برای تشخیص منافع ملی و پاسداری از آن بر این باورند که باید بر مبنای واقعیت های جهان امروز و تکیه بر امکانات موجود و میزان قدرت مائوری که در دست داریم، و نیز با توجه به توانایی ها و پتانسیل های اقتصادی و تکنولوژیکی قدرت های جهانی اقدام کرد. در حالیکه حاکمان بر قدرت نشسته، نزدیک به ربع قرن است که در قالب شعار در زمینه سیاست خارجی با دنیا برخورد داشته اند، و در عمل فرصت های بسیاری را از دست داده اند و کشور را در ابعاد گوناگون با بحران های شدید، مواجه ساخته «کوان ملی» را به کمترین میزان آن کاهش داده اند.

در جریان حمله آمریکا و متحدانش به عراق، دنیا شاهد آن بود که چنگونه کشورهای چون فرانسه، آلمان و روسیه به موضع گیری پرداختند و کشورهای چون چین، ژاپن و هند که قدرت های مطرحی هستند، بی تفاوت ماندند. آنهاست هم که موضع گرفتند، فقط به منافع ملی شان می اندیشیدند. آنها از یکسو نگران طلب ها و حفظ قرار دادهای پرسودشان با عراق بودند و از سوی دیگر، به منظور حفظ قدرت چانه زنی شان با قدرت پیکه تاز هزاره سوم، دنبال کسب اعتبار برای خویش بودند که از افکار عمومی برانگیخته در جهان به سود خود بهره جویند. شدت موضع گیری آنها و بزناب شدید آمریکا باعث شد که پس از مدتی کوتاه بتاریخ فروکش کند. چانه زنی ها میان آنها آغاز شد و دو طرف در حد توان به بخشی از خواسته های خویش دست یافتند. باید دانست که فرانسه، آلمان و روسیه وقتی خود را در قبال عمل انجام شده دیدند بر آن شدند که برای حفظ منافع آینده خود سیاست جانب

مقابله با هژمونی آمریکا، چگونه؟

مهمترین اهداف حمله آمریکا به عراق را می توان بصورت زیر خلاصه کرد:

- ۱- حفظ برتری و هژمونی بر کل جهان
 - ۲- مقابله با خطر تروریسم بین المللی
 - ۳- بدست گرفتن ماده انرژی بزرگ نفت خاورمیانه
 - ۴- تأمین آسایش و امنیت اسرائیل
- اینکه کدام یک از عوامل بالا اهمیت اساسی تر دارد، بستگی به سیاست های آمریکا از یک سو، و عملکرد قدرت های مطرح جهان و افکار عمومی ملت ها، از سوی دیگر، دارد.
- لقبه تاریخ چند هزار ساله جهان گواه این نکته است که هر وقت زورمدان و قدرت طلبان مجال و فرصت یافتند، قصد و اهنگ تسخیر کل دنیا و زیر پرچم درآوردن ملت ها را داشته اند. دنیای آسمانی و ایدئولوژی های بشری هم در گذشته هر جا لازم بوده هدف جهانی شدن را بیان کرده اند. پس ایده حاکمیت بر کل جهان انگاره جدیدی نیست و پیشینه چند هزار ساله دارد. در سده گذشته کشورهای مانند آلمان و شوروی حاکمیت بر جهان را به پیروان خود وعده می دادند و برای رسیدن به آن هدف، طرح و نقشه های مختلف داشتند. ولی به عللی، که از حوصله این مقاله خارج است، در این راه موفق نشدند و ایالات متحده اکنون بهر ترتیب این برتری نظامی، اقتصادی، و تکنولوژی را پیدا کرده است.

ب- بررسش این است که آیا کشورهای غیر امروز مخالف یک جبهه گیری آمریکا هستند، اگر خود برتری افکار ناپایلر نظامی و اقتصادی نسبت به دیگر کشورها پیدا می کردند، حاضر بودند بوسیله احترام به افکار عمومی و توجهات اخلاقی بدنیال سوء استفاده از برتری خود نباشند و مانند گذشته با متحدانشان را در سازمان ملل و پیمان آتلانتیک شمالی مورد مشورت کنند و به افکار عمومی جهانبان احترام بکنند؟

نظرمی رسد برتری نظامی کنونی آمریکا و شاید برای چند دهه آینده حقیقتی ملموس باشد که حتی ائتلاف برای توازن قوا، بین کشورهای مطرح جهان هم قادر به تغییر آن نباشد. با چنین تصویری، آیا ایالات متحده تمایل دارد از هژمونی فرارگیرد خود و سیاست یکجانبه گیری دست بردارد. جواب صد البته منفی است.

ج- برخی مفسران سیاسی گفته اند که در سده ۲۱ هم دو ابر قدرت وجود دارد که در تقابل با هم هستند یکی ایالات متحده آمریکا و دیگری افکار عمومی جهان. اینان در درجه نخست محرک اصلی مخالفتها و راهبیمایی های چند میلیونی سراسر جهان بر علیه جنگ، قبل از حمله آمریکا به عراق را، گسترش وسایل ارتباط جمعی مانند ماهواره و اینترنت دانسته اند که میلیون ها نفر از مردم مخالف جنگ را بهم نزدیک و متحد کرد و در جبهه دوم تحریک و زمینه سازی کشورهای فرانسه و آلمان و دیگر نهادهای بین المللی مخالف جهانی شدن را عامل تحریک افکار عمومی و بسیج آن می دانند. این عده همچنین معتقدند که اگر فرانسه و آلمان و روسیه هم مانند انگلستان از آغاز پشتیبانی کامل خود را از حمله آمریکا به عراق اعلام می کردند، احساس تسلیم بدون قید و شرط صدام زیاد بود. ولی وقتی صلح احساس کرد که همراه و همدل پیدا کرده، تشویق شد که پایداری کند. این فرضیه بقدری قوت گرفت که برخی عامل اصلی بروز جنگ عراق را مخالفت و زمینه سازی و تبلیغ جهانی فرانسه و آلمان دانسته اند. اگر چه این فرض قدری بی پایه آمیز و نظری است، ولی بی تاثیر هم نبوده است.

د- دلیل اصلی در پیش گرفتن سیاست مخالفت با جنگ توسط مخالفان تنها نفرت همگنی از بروز جنگ میان یک ابر قدرت با یک کشور آسیب پذیر جهان سوم نیست، بلکه دلواپسی کشورهای مطرح جهان از یکجانبه گیری آمریکا دلیل اصلی است که با به قوت رسیدن جرج بوش ابعد گسترده تر پیدا کرد و استمرار و ادامه آن می رود تا نظام بین الملل حاضر را دستخوش تغییرات بنیادین نماید. از جمله آنکه ماهیت ناو احتمالاً متحول خواهد شد. سازمان ملل با تشکیلات و شکل کنونی اش بعید است بتواند ادامه دهد. یا باید خود را آماده پذیرش زیاده خواهی های یکطرفه آمریکا نماید و یا باید خود را جوری سامان دهد که بتواند در برابر خواسته های نامحدود آمریکا پایداری کند. زیرا محافظه کاران جدید در دولت بوش عمل نهادهای بین المللی را خلاف منافع آمریکا ارزیابی می کنند.

ه- اکنون مشخص شده است که قصد آمریکا از حمله به عراق تنها نفثت یا مبارزه با تروریسم و امنیت اسرائیل نبوده است، اگر چه هر سه عامل های مهم و تعیین کننده بوده اند. بلکه ایالات متحده خواهان حفظ و گسترش هژمونی خود توسط سامان دهی نظم ژئوپلیتیک است مدرنیسم در جهان است که تغییرات ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک جدید را به دنبال خواهد داشت. برای دستیابی به این مقاصد، آمریکا از مخالفان خود ابائی ندارد، زیرا نه تنها این اهداف را پنهان نمی کند، بلکه مخالفان را تهدید به تنبیه سیاسی، اقتصادی و گاه نظامی می کند.

کشورهای اروپایی و دیگر کشورهای مطرح جهان کم و بیش نقش خود و بهایی را که حاضرند در این مخالفتها متحمل شوند روشن کرده اند. آنها به طور کلی می خواهند که سازمان ملل متحد مانند گذشته نقش مستی خود را حفظ و روابط دموکراتیک کشورهای عضو را تضمین نماید و آمریکا را وادارد که از یکجانبه گیری دست بردارد. علت مخالفت امروز کشورهای اروپایی آنست که مانند گذشته که از تهدید کمونیسم در خلال سالها جنگ سرد در وحشت بسر می بردند، اکنون تهدید تروریسم بین المللی را جدی نگرفته اند. از این رو، کشورهای اروپایی دیگر به چشم یک شریک بازرگانی و هم پیمان استراتژیک به آمریکا نگاه نمی کنند بلکه به عنوان کشوری که در برابر اروپا

و منابع آنان ایستاده است.

برعکس، آمریکا در حالی که تروریسم را جدی تلقی می کند، حاضر نیست از هژمونی فرارگیرد خود به خاطر حفظ معادلات و معاهدات بین المللی موجود صرف نظر کند. از این رو بر سیاست تک ابر قدرتی و یکجانبه گیری خود پافشاری می کند. و مناطق و مطایبات نسوری خویش را مجدداً دنبال می کند. کشوری که در یک دهه دو چهار جنگ منطقه ای دور دست (کویت- یوگسلاوی- افغانستان- عراق) پیروز شده است، سر مست از پایه پیروزی دیگر به سادگی زن به ساروش نمی دهد. - حال با توجه به سیاست یکجانبه گیری آمریکا و سیاست های ناموفق کشورهای مطرح جهان (فرانسه - آلمان - روسیه - چین - انگلستان - ژاپن - ایتالیا) که هر کدام به گونه ای در رویارویی با آمریکا سیاست ویژه کج دار و مریز در پیش گرفته اند، آیا از دست دیگر کشورهای جهان و افکار عمومی، کاری ساخته است؟

اگر آنها ایستادگی گسترده مالی - اطلاعاتی و تبلیغاتی که دارند، نتوانند افکار عمومی جهان را هدایت کرده و قاطعه، در برابر آمریکا ایستادگی کنند، آیا امیدی به پیروزی ابر قدرت افکار عمومی جهان می توان داشت؟

پس چه باید کرد؟ چه کسانی باید برای رویارویی با هژمونی آمریکا بیا عزیزند؟ بهتر است این بحث را باز نگاه داشت تا صاحب نظران دربار آن به اظهار نظر بپردازند.

دکتر عباسعلی صحافیان

خانمها و آقایان نماینده مجلس، برای لغو نظارت استصوابی از نیروی انتخاب کنندگان خویش بهره بگیرد

لغوه مورخ ۸۷/۳/۲۷ عده کثیری از نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی خطاب به مقام رهبری با توجه به مجموع شرایط امروز ایران، منطقه و جهان و نزدیک بودن تاریخ برگزاری انتخابات مجلس هفتم امید آفرین بوده و در صورت تدویم و حرکت بسوی ایجاد شکل ملی و مردمی در بستر جامعه و نه در ذرون حاکمیت، که مگر آن آزمایش منفی اش را پس داده می تواند نتایج مثبت بار آورده و خدمتی تاریخ ساز باشد. خو لغو لغو و برداردن نماینده، افساس پیش، زنده یاد دکتر محمد مصدق طی اعلامیه ای از مردم روشنگر و غیر خواه کشور دعوت کرد که چون هیچ حزب و تشکیلات موثری در کشور وجود ندارد تا به مسائل عمده مبین سرو سامان بدهد دو ساعت پیش از ظهر روز جمعه ۲۷/۳/۲۷ در خیابان کاخ مقلبل کاخ سلطنتی حاضر شوند تا شکایت از شیوه غلط انتخابات به پادشاه تقدیم شود. با انتشار این دعوت نام، بلافاصله اعلامیه نهادید آمیزی از سوی شهرتلی منتشر شد حاکی از اینکه عده ای اخلاکگر قصد ایجاد آشوب در مملکت دارند. ولی شادروان دکتر مصدق با حال ناتوان و کسالت جسمی همراه عده ای از دوستان و تعداد زیادی از مردم بسوی دربار حرکت کرد و به اتفاق ۱۹ نفر از همفکران خود پس از چهار روز تحسین و انتصاب غذا ضمن صدور اعلامیه ای با این فرا که "... خریفی مملکت نشی از فساد و غرض ورزی و خود پرستی است و راه اصلاح آن انتخابات آزاد است..." تومار را ترک نمودند. چهار ماه بعد، پش روز ۲۵ بهمن ۲۸، دکتر مصدق و پایه گذاران جبهه ملی در راس لیست حائزین اکثریت متخیین تهران و شادروان قلیبار صالح از کاشان انتخاب شدند و همگان می دانند که همان قلیت کوچک مجلس علاوه بر اصلاح قانون انتخابات موفق به ملی کردن صنعت نفت ایران که تا آن تاریخ سهم نامعادل ۱۶ درصد بینه که ای ۷۷۵ دلار آن هم بر اساس محاسبات برپیش پترو لوم بود گردیدند. اینک خو لغو لغو و برداردن نماینده برای برون رفت از کلافه سردرگمی که متصفانه کل جامعه را فرا گرفته و برای خروج از زمیندن سیاسی موجود که نیروی ضد اصلاحات بر مطایبات حقه مردم تحمل کرده و همگان می دانند که بخش قسمت خود حاکمیت فعلی حتی حاضر نیست به دوازده شهرتلی رژیم سابق برای کسی احترام قائل شود و قطعاً اجاره هیچ روز تحسین در همان کاخها را به احدی نمی دهند و تا بر گزاری انتخابات نمی نیز نه لعیدی به هر نفس شورای نگهبان متصور است و نه احتمال همه برسی، لذا اکنون که ساختار و سیستم نمایندگی معطل مانده و از آنجا که قانون باید تر جهان خواست و ازاده ملت باشد، پیشنهاد می شود با توجه به موازین حقوقی و اقدامهای قانونی، و با توجه به سنت رایج و عرف نهاده شده، انضام نامه های سر گشاده و اینکه در برخی کشورهای پیشرفته جهان نظیر سوئیس مردم می توانند از طریق جمع آوری امضاء دسته به رفرا دم زده لغو و یا طرح قوانین را برای دولت از می نمایند. هر یک از شما نیز در حوزه های انتخابی خود می توانید دست به اقدام مشابه زده و متلاموضوع لغو نظارت استصوابی را از طریق جمع آوری تومارهایی مشتمل بر هزاران امضای اصناف اقوامند، نمود و از تریبون مجلس به اطلاع همگان برساید.

عشما و آقایان، در ایران امروز وقت زیادی نداریم که از دست بدهیم پس باید به سرعت دست بکار شد. همواره تضمین شرایط آزادی در هر جامعه ای بر عهده مسم دیده است. پس از دست دیدگان با خو لغو لغو برداردن عده تا قادر شود آزادی بر نهادهای نه کند. موفقیت هر مثنی به باز سازی رابطه دولت با جامعه بستگی دارد. و برای باز سازی روابط ابتدا باید پذیرفت که فقط از طریق تشکیل های تقدیمند سیاسی است که صدای شهرتدان و نه اجزاء حاکمیت نهادهای گریزورهای قدرت می رسد و از تشکیلات حاکمیت کاسته می شود و جلو حرکات دیپلوماسی و خود کاه را می گیرد. مطمئن باشید افکار، به جامعه تنها اکلید موفقیت شما نمایندگان ملت است.

هرمز معیری

طرح جمعیت تولیدگران ایران برای خروج اقتصاد از بن بست، دولت باید از اختیارات قانونی خود استفاده کند.

جمعیت تولیدگران ایران طرح پنج ماده‌ای خود برای خروج اقتصاد ایران از بن بست و ادغام اختیار و بست جمهوری قزو داد.

این طرح که در ملاقات شورای مرکزی جمعیت با ریاست جمهوری، توسط آقای دکتر علی رشیدی عضو شورای مرکزی و رئیس مرکز پژوهش‌های جمعیت، برای رئیس جمهور شرح شد، روز پنجشنبه ۱۳۸۲/۷/۲۰ به طور رسمی به ایشان تقدیم گردید.

متن طرح که با تأیید کوهانه از وضع نهایی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور آغاز گردیده، شامل پنج پیشنهاد اساسی است که به طور کامل در زیر به نقل آن می‌پردازیم. امید که گوش شنوایی وجود داشته باشد.

۱- تحلیلی کوتاه از وضع موجود

بیست و سه سال پس از انقلاب و پس از تنظیم سه برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جامعه ایران از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بویژه سیاسی، بیش از هر وقت دیگر نامتعادل است. بروز اختلالات شدید سیاسی، ثروتی، درآمدی، نبود سرمایه گذاری کافی و فرار سرمایه‌ها از کشور، رواج اعتیاد، بیکاری، بی‌خانمگی، خودکشی و ناامیدی‌ها، تشدید درگیری‌های خیابانی، تصادفات ناشی از عصبانیت و سایر ناانجمنی‌های سیاسی و اجتماعی، آلودگی‌های صوتی، غلظی، زینت محیطی و قصور کل ساختار حکومت در دفاع از حیثیات ذات انسان ایرانی، غلبه تمام حسی نسبت به نصیحت‌ها، درخواست‌ها و ضرورت‌ها سال به سال تشدید گردیده است.

وابستگی بودجه و مخارج عمومی به درآمد نفت از هر زمان دیگر بیشتر شده است (۶۶ درصد در سال ۱۳۸۱)، سقوط درآمدهای مالیاتی دولت (۳۷ درصد در سال ۱۳۸۱)، تحمیل هزینه‌های ناخواسته غیر مفید و غیر مولد به دولت، هدر رفتن دائمی اعتبارات هزینه‌های جاری، سقوط هزینه‌های عمرانی (۲۵ درصد در دهه گذشته)، بلایزدن از اجزای دقیق برنامه سوم، اصلاحات ساختاری، فرسایش مجلس، دولت و نهادهای فرادولتی در جنگ قدرت و مشروعیت، اتلاف و افراط عظیم در هزینه کردن مابرای برنامه‌های نظری، تنها بخشی از صورت مسئله نامست.

پرسش بنیادین این است که چرا هیچ رویه‌مندی در راستای گره‌گشایی از کلاف ایران و ایرانی در افق نیست؟ دخالت‌های بیگانه‌گان در شمال، خاور، جنوب و باختر کشور منافع حیاتی و حتی تمامیت ارضی کشور را مورد تهدید و تردید قرار داده است. راه حل یابی برای این مسائل در کوتاه مدت از توان فردی و جمعی هر کسی خارج می‌باشد، اما بررسی دقیق مجموعه این نابسامانی‌ها و بویژه نحوه پیدایش و شکل‌گیری و ابعاد فواید و شدت آنها، نشان می‌دهد که کلید راه حل مسائل در پنج اقدام فوری، هم‌زمان، مطالعه شده و علمی با کمک همه افراد معتقد به منافع ملی، برگزیده همه نیروهای مردمی با همکاری دولت نهفته است.

۲- راه حل‌های پیشنهادی

۱) اقدام فوری برای ارائه درخواست عضویت در سازمان بازرگانی جهانی (WTO) با انجام کارهای کارشناسی که هم‌پرزویه و هم‌وقت گیر است، درگیر کردن کل ملت ایران در بحث و گفتگو درباره عضویت در سازمان بازرگانی جهانی و تشریح همه ابعاد آن برای همه افراد و گروه‌های ذینفع، بویژه بخش‌های اقتصادی و استفاده از آنها برای دخالت در بحث‌ها و راه‌حل‌یابی به منظور کاستن اثرات سوء آن و بهبود موقعیت رقابتی و چانه‌زنی کشور. این اقدام اگر با دور اندیشی اجتماعی و سیاسی انجام شود حوزه مناقشات سیاسی را کوچک و تفکر درباره منافع ملی را وسعت می‌بخشد.

این عضویت نه تنها بر اقتضایات دولتی و خصوصی، رانت خواریها، تسلط دولت بر اقتصاد، قابلیت رقابت صادرات ایرانی در بازارهای جهانی، وجود مابه‌ای هدف و کار بی‌بازده اثر مستقیم دارد، بلکه بطور ضمنی و طبیعی تحول ساختار کل حکومت و دولت و حرکت بسوی استقرار نظام سیاسی - اقتصادی مردم‌سالار را تسهیل می‌کند. برای نشان دادن پیوند عضویت ایران در WTO با همه مسائل اقتصادی - اجتماعی و سیاسی کشور تنها کافیست توافق‌های دور آردگو له و مذاکرات نرفته‌ای سال ۱۹۹۲ که سازمان بازرگانی جهانی را جایگزین قرارداد عمومی

تعریف و بازرگانی ساخت، مورد بررسی قرار گیرد.
۲) اصلاح اساسنامه کلی نهادهای، ستادها، بنیادها و دفاتر ها در راستای تکامل هدفها، برنامه‌ها، هیئت‌های انشاء، سیستم‌های حسابداری، نظارت و کنترل در جهت ۱- در آوردن آنها زیر نظارت و کنترل دولت. ۲- محدود کردن حوزه فعالیت آنها به هدفهای اجتماعی و رفاهی مورد نظر مجلس و دولت طبق برنامه سوم. ۳- حذف کلیه دخالت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی آنها و واگذاری این گونه فعالیت‌ها به بخش خصوصی در شرایط رقابتی آزاد.

بنیادها و نهادها فقط باید در آمد حاصل از تملک‌های قانونی و یا کمک‌های بودجه‌ای دولت و یا کمک‌های مردمی را صرف اهداف مصوب خود نمایند و در برابر وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات مسئول باشند. باید گزارش سالانه عملکرد آنها شامل کلیه درآمدها و مخارج به مجلس ارائه شود. مدیریت نهادهای باید مردمی، دولتی باشد. تشکیل‌های مردمی مربوط می‌تواند سهم عمده‌ای در مدیریت و نظارت بر بنیادها داشته باشند.

۳- اصلاح ساختار دولت از راه حذف سازمان‌های زائد، ادغام سازمان‌های موازی، ایجاد نهادهای ضروری روز راه متناسب سازی دولت برای اداره امور کشور در این سال‌های آغازین قرن بیست و یکم است. چهار میلیون و نوبست هزار نفر حقوق‌بگیر مستقیم و غیر مستقیم دولت در اقتصاد که ۷۰ درصد آن خارج از کنترل بخش خصوصی است مایه بزرگ دست‌پاچی به جامعه‌ای مردم‌سالار است.

۴) کنترل و کاهش مداوم بودجه جاری دولت و رفتن به سوی اجرای بودجه‌های مؤثر عمرانی برای ایجاد تعادل اجتماعی و سیاسی در جهت استقرار جامعه‌ای مردم‌سالار. کنترل و کاهش بودجه جاری دولت از نیاز به استقرار دائمی سیستم بانکی، فروش اوراق مشارکت، کسر بودجه، انحراف پس‌اندازها از سرمایه‌گذاری مولد، تشدید فشارهای تورمی، فشار استخدام دولتی و بسیاری از مفاسد دیگر جلوگیری می‌کند. کنترل و کاهش مداوم بودجه جاری دولت کلید ایجاد و استقرار دولتی کوچک و کارآمد متناسب با نیاز روز جهانی است که هم‌راه راه‌های همکاری سازمان‌های جهانی با ایران می‌گشاید و هم فرصت نفس کشیدن و خلافت راه مردم و بخش خصوصی ایران می‌دهد.

۵) استقلال واقعی بانک مرکزی و ایجاد بازارهای مالی مستقل

۵) وابستگی کامل نظام پولی و بانکی به دولت و تأثیر قدرت‌های سیاسی و روابط شخصی در تعیین و اجرای سیاست‌های پولی سبب شده است که تصمیمات مربوط به تعیین نیاز مندیهای پولی و اعتباری دولت و سازمان‌های وابسته و نهادهای عمومی بدون توجه به افزایش حجم پول و خطر تورم و نیز نحوه تخصیص اعتبارات ریالی و ارزی بین بخش‌های اقتصادی و بر حسب عمومی، خصوصی و تعاونی اتخاذ شود که حاصل آن علاوه بر ایجاد فشارهای تورمی دائمی، انحراف شدید تخصیص منابع، تشدید شکاف‌های طبقاتی، صلحه دائمی به امکان رقابت کالاها، کشور در بازارهای جهانی، بالا بردن نرخ بهره، فشار بر زوری نرخ ارز، عدم سرمایه‌گذاری تولیدی مؤثر، پیداشدن بطنی ۱۵۸ هزار میلیارد ریالی دولت و بنگاه‌های وابسته به دولت، به سیستم بانکی کشور است.

استقلال بانک مرکزی و سپردن مدیریت آن به دست افراد شایسته برگزیده رئیس جمهور و مورد تأیید مجلس و ایجاد سازمان مستقل نظارت بر ترزهای مالی و بورس‌ها و بازار اوراق بهادار با مشارکت و مدیریت خود بنگاه‌های مالی، زیر نظارت عالی مجلس از کاتال بانک مرکزی مستقل و قرار گرفتن دولت در سطح سایر استفاده‌کنندگان از اعتبارات سیستم بانکی، سبب می‌شود که ارزش پول در جامعه برای دولت و بخش خصوصی یکسان شود. بازارهای مالی شامل انواع بورس‌ها، شرکت‌های بیمه، بانک‌های تخصصی و بازار گشایی، صندوق‌های وام و پس‌انداز، صندوق‌های سرمایه‌گذاری است که در آنها انواع استفاده‌کنندگان از این تأسیسات با معیار واحد و مشترک و یکسان بدون استفاده از رانت و قدرت‌های انحصاری به فعالیت مشغول هستند. تنها با یکسان سازی ارزش پول و ارزش برای همه در جامعه است که راه بزرگ و بزرگتر شدن بی‌رویه دولت و نهادهای ظاهر عمومی بسته می‌شود.

نامه هسمر و وکیلان امیر انتظام به رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس

وکیلان مدافع و هسمر مهندس عباس امیر انتظام ملی نامه‌ای با برشمردن بیماریها و ناراحتی‌های جسمانی او و نیز به تداوم درمان و مراقبت‌های ویژه تغذیه‌ای و استراحت، در نامه‌ای از کمیسیون اصل ۹۰ درخواست آزادی او را برای پیگیری درماتهای تجویز شده کرده‌اند. وزارت حال مهندس امیر انتظام از فهرست بیماریهای او کاملاً مشهود است:

۱- ناراحتی زانو و علت ساییدگی استخوان

۲- عود عصب سیاتیک

۳- ایجاد لسداد در کتال ستون فقرات

- ۴- گرفتگی عضلات پا
 - ۵- از بین رفتن پوست قسمت‌های مختلف بدن که سوزش دائم همراه دارد.
 - ۶- ناراحتی پروستات و مشکل تخلیه مثانه
 - ۷- بیماری چشم و ریزش دائمی از دیدگان
 - ۸- بیماری قند و ضرورت تزریق دائم انسولین، و عوارض ناشی از آن.
 - ۹- ناراحتی زانو و شانه پس از عمل جراحی که طبق تجویز پزشک میبایست فیزیوتراپی گردد.
 - ۱۰- خشکی مفرط و درد ماعیچه‌ها
 - ۱۱- ناراحتی دندان
- با توجه به اینکه شورای پزشکی زندان لوین در سال ۸۱ اعلام کرده که امکان مداوای او در زندان وجود ندارد، ایشان در تاریخ ۸۷۲۶۶، دو آگه احتضار و دوباره روانه زندان لوین شده‌اند.

گورهای دستجمعی عبرت آفرین

هر دولتی که خود را نماینده یک کشور و یک دولت می داند و با همین عنوان یک کرسی نمایندگی را در سازمان ملل متحد اشغال می کند، باید بتواند به روشنی به سه پرسش اساسی پاسخ قانع کننده بدهد: ۱- قدرت حاکمیت را چگونه بدست آورده است؟ ۲- قدرت را چگونه حفظ می کند و در برابر رقیبان، مخالفان و کسانی که به نحو مسالمت آمیز با جنبش برای عمومی می خواهند جانشین او شوند چه رفتاری را در پیش می گیرد؟ ۳- شرط جایگزینی و واگذاری مسالمت آمیز قدرت در قوانین آن کشور پیش بینی شده است یا خیر؟

فریبش از یکصدونود کشور عضو سازمان ملل، تنها تعداد اندکی از آنها می توانند به پرسشهای بالا پاسخ های روشنی که قانع کننده نیز باشد، بدهند. زیرا دولت ها که بهتر است آنان را حکومت و نه دولت نامید می آیند که تا ابد بمانند. بر همین اساس است که در این گونه کشورها، هر مخالفت مسالمت آمیزی، بر رفتاری تاقی می شود و مجازاتهای سنگینی در حد اعدام توأم با شکنجه در پی دارد. این گونه حکومتها خود را صاحب خلیفه می دانند و مالک و قریب، نه میهمان و خدمتگذار. که شرط نفاذ حضور و ماندنش رضایت مردم است.

اکنون که گورهای دستجمعی چند ده هزار نفری یکی پس

از دیگری در عراق پس از صدام حسین کشف می شود و خانواده ها سرافیمه و غم زده بدنبال استخوانهای خاک شده عزیزانشان می گردند تا شاید نشان آشنایی بدست آورند، دنیا با تلخی متوجه حکومتی شده است که با زور بر سرکاز می آیند، با زور و فشار و اختناق به حکومت ادامه می دهند دنیا نیز با قوانین ناقص متکی بر منافع مادی خود، آنها را دولت قانونی عضو سازمان ملل می شناسد و از آنها حمایت می کند، همچنانکه جمعی با حسن نیت و سادگی و گروهی بر اساس منافع اقتصادی و با ترس از دچار شدن به سرنوشتی چون صدام، عملاً به حمایت از این حکومت آدمخوار پرداختند و اکنون با دیدن قبوه گورهای دستجمعی و سلسلهای که بجرم مخالفت با حکومت به طرز فجیحی به قتل رسیده اند بجای ابراز شجاعتی از رفتار خود، ابراز تازهای را مطرح می کنند که چرا زودتر به سرنگون ساختن پست میدان فلسطین بغداد نبر داخته اید؟

نیاز به تغییر لازمه حیات جوامع انسانی

امروزه گسترش ارتباطات و اطلاعات و تماس روزمره تصویری و صوتی بین حکام و مردم ایجاد می کند که حکومت ها گردشی و متغیر باشند، چرا که در نظام حکومتی با افراد ثابت، حکومت و جامعه از درون دچار پوسیدگی، فساد و فروپاشی می شوند. حکومت های با افراد ثابت و بدون تغییر این

فر را احساس و درک می کنند، اما چون خودمایل به ترک کرسی قدرت و حکومت نیستند می کوشند در جامعه تغییر و تحول و انقلاب و هيجان ایجاد کنند. تا از یک نواختی خسته کننده و مضطرب کننده احتراز کنند. نمونه های این امر انقلاب فرهنگی در چین عصر مائو و جشن های ۲۵۰۰ ساله و غیره در رژیم شاه بود، که هیچ یک نتوانست نبراز به تغییر در این جوامع را برقرار و بر طرف کند.

تشکیل جلسه شورای مرکزی جبهه ملی ایران

جلسه شورای مرکزی جبهه ملی ایران در روز ۲۹ اردیبهشت ماه به ریاست آقای ادیب برومند تشکیل گردید و نسبت به اوضاع داخلی و خارجی و تحولات مسائل سیاسی بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

درگذشت دختر دکتر مصدق

خدیجه مصدق، آخرین دختر دکتر محمد مصدق، پس از یک بیماری چندین ساله در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۲ در سوئیس درگذشت. ما درگذشت ایشان را به یک یک خانواده مصدقی تسلیت می گوئیم. خانواده ایشان در تهران اعلام کرده که هزینه مجالس ختم و هفت و چهارم را به مصارف نیکوکارانه خواهند رساند.

عبرت

آن حمله مرتجع به دانشگاه است
راهش به سرآشویی قعر چاه است
ادیب برومند

آن شیوه که یاد آور عهد شاه است
هر قوم که از گذشته عبرت نگرفت

حراست شهر داری تهران مانع برگزاری مراسم بزرگداشت دکتر مصدق شد

حزب ترقی ایران علی رغم داشتن مجوز از وزارت کشور و موافقت ریاست فرهنگسرای ارسباران و هماهنگی های لازم با نیروی انتظامی، حراست کامل شهر داری تهران مانع از برگزاری مراسم بزرگداشت دکتر مصدق توسط این حزب شد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری کار ایران، یلچاند صبح جمعه در حالی که میزبان و افراد علاقه مند برای حضور در این مراسم به فرهنگسرای ارسباران آمده بودند، با درهای بسته فرهنگسرا مواجه شدند.

پس از مدتی که سخنرانان مراسم از جمله دکتر انور خلیفه ای، دکتر رشیدی، دکتر باوند، دکتر ورجواند در میان جمعیت حاضر شدند، جلسه ای با حضور نماینده ویژه شهردار، ریاست فرهنگسرا، نماینده فرماندهی انتظامی تهران بزرگ و یکی از مسؤولین حراست تشکیل شد و دبیر کل حزب ترقی ایران و دکتر ورجواند یکی از مدعوین به واسطه فرهنگسرا راضی نشده شدند. یک منبع آگاه به خبرنگار ایلتا گفت که در این جلسه علت جلوگیری از برگزاری مراسم، احتمال برهم زدن آن توسط گروهی مشکوک بیان شد.

این منبع آگاه افزود که در این جلسه رئیس فرهنگسرای ارسباران اعلام کرده است احتمال صدمه دیدن حاضران در این درگیری وجود دارد و دکتر ورجواند یکی از سخنران این مراسم گفت است که وظیفه نیروی انتظامی که از بیت لیاقتی از آن می کند، خدمت به مردم و حفاظت از آنان در برابر قانون شکنان است. وی عملکرد ولادونه نیروی انتظامی در برابر وظایفش را

موجب تعطیلی مراسم به جای برخورد جدی با برهم زندگان عنوان کرده است.

ورجواند همچنین در جواب مسئول حراست که بیان داشته است که آیا گمان نمی کنید کارهای شما در برابر منافع نظام است، گفته است، اعمال ما در راستای منافع ملت است.

در نهایت، رئیس فرهنگسرای ارسباران برای پرهیز از هر گونه درگیری از افراد حاضر خواست. محفل را ترک کنند. برگزار کنندگان مراسم بزرگداشت دکتر مصدق نیز با توجه به شرایط بحرانی روز و خواست گروهی اغتشاش گر برای بحران آفرینی، از حاضران درخواست کردند که محفل را ترک کنند و بهانه ای به دست گروه های فشار ندهند.

این در حالی بود که هر لحظه تعداد لباس شخصی هایی با موتورسیکلت و نیروهای انتظامی در محفل بیشتر می شد.

در مراسم بزرگداشت دکتر مصدق حسین شاه حسینی: احترام به خواست و رای مردم خطرات را رفع می کند

یکصد و بیست و یکمین سالگرد تولد دکتر محمد مصدق امروز با حضور دوست داران و علاقه مندان وی در قلعه احمد آباد برگزار شد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری کار ایران، در این مراسم حسین شاه حسینی نایب رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ایران در سخنانی گفت: مصدق با مشی محمدی و با پای بندی به اخلاق در عالم سیاست برای استقرار آزادی و مردم سالاری و حاکمیت ملی کوشید.

وی افزود: دبیر بزرگ مصدق برای رویارویی با تهدیدات بیگانهگان، همسویی و همراهی با ملت و تمکین از خواست آنان بود. شاه حسینی با اشاره به حضور کشتی های جنگی انگلستان در خلیج فارس در دوران نخست وزیری مصدق، گفت: مصدق با تکیه بر خواست مردم توانست با تدبیر، هر گونه خطر خارجی را دفع کند. و این ممکن نمی شد مگر با احترام عمیق قوه آزادی و مردم سالاری در فضای داخلی کشور.

شاه حسینی همه نیروها را به فراگرفتن آموزه های رحمت و رأفت اسلامی فراخواند تا با ایجاد یک فضای تفاهم و تساهل زمینه برای از بین رفتن شکاف بین ملت و قدرت فراهم شود چرا که بیشترین سود را از این شکاف در این شرایط بحرانی بیگانهگان خواهند برد.

وی رفع خطرات را در به رسمیت شناختن آزادی های مصرح قانونی و احترام به خواست و رأی مردم دانست. گفتی است در این مراسم افراد و شخصیت های مختلفی از شهرهای مختلف حضور داشتند.

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۲۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com